

تأملی بر مفهوم دموکراسی در عصر حاضر



نویسندگان: سمیرا یارمحمدی کلخوران، عارف گنج‌خانلو

سرشناسه: یارمحمدی کلخوران، سمیرا، ۱۳۶۱؛

عنوان: تأملی بر مفهوم دموکراسی در عصر حاضر؛

نویسندگان: سمیرا یارمحمدی کلخوران، عارف گنج‌خانلو؛

ویراستار: یاسر راستی؛

وضعیت ویراست: اول؛

مشخصات نشر: تهران: گنجیران، ۱۳۹۷؛

مشخصات ظاهری: ۱۱۳ صفحه؛

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۸۶۶-۹-۱

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال؛

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا؛

یادداشت: کتابخانه

موضوع: د - د - د / د - د / Democracy

موضوع: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹-۱۳۸۰. دیدگاه درباره اسلام و دموکراسی؛

موضوع: Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI - Views on Islam and democracy

موضوع: دموکراسی - ایران / Democracy - Iran

موضوع: دموکراسی - جنبش‌های مذهبی - اسلام / Democracy - Religious aspects - Islam

شناسه افزودن: گنج‌خانلو، عارف، ۱۳۶۰. نویسنده؛

شناسه افزودن: راستی، یاسر، ۱۳۹۷. ویراستار؛

رده‌بندی کتبه: ۱۳۹۷ ت ۳۳/۳۳۱۳

رده‌بندی دیویی: ۳۳۱/۸۰۹۵۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۵۰۹۵۴۵



انتشارات گنجیران

عنوان: تأملی بر مفهوم دموکراسی در عصر حاضر؛

نویسندگان: سمیرا یارمحمدی کلخوران، عارف گنج‌خانلو؛

ویراستار: یاسر راستی؛

طراح جلد و صفحه‌آرا: سروش اسمعیل‌زاده؛

ناظر نشر: نورالدین گنج‌خانلو؛

مدیر برنامه‌ریزی: یاسر راستی؛

ناشر: انتشارات گنجیران؛

چاپ و صحافی: گنجیران؛

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه؛

چاپ اول: ۱۳۹۷؛

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال؛

تلفن: ۳۳۸۴۲۷۲۶-۹

رایانامه: ganjiran@yahoo.com

نشانی: تهران، افسریه، خیابان ۳۰، پلاک ۱۴۷، انتشارات گنجیران

* کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر به انتشارات گنجیران تعلق دارد.*

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۷	فصل اول: تعاریف و مفاهیم
۹	تعریف دموکراسی
۱۱	تاریخچه دموکراسی
۱۱	رق دموکراسی به معنای قدیم و جدید آن
۱۲	انواع دموکراسی
۱۴	سیر تطور دموکراسی از معنای قدیم آن به دموکراسی‌های کنونی
۱۶	دموکراسی و ولایت فقیه
۱۹	دموکراسی و حاکمیت اسلامی
۲۲	فرآیندهای گذار به دموکراسی
۲۲	فرآیند تغییر شکل
۲۳	فرآیند فروپاشی
۲۳	فرآیند جابجایی
۲۵	فصل دوم: جایگاه دموکراسی در اسلام
۲۷	جایگاه دموکراسی در اسلام
۲۸	رابطه دموکراسی با الهی خلافت
۳۰	رابطه بین حکومت دینی با جمهوریت و دموکراسی

فصل سوم: دموکراسی غربی و تعارضات آن در جوامع ۳۳

عوامل ورود موج دموکراسی در کشورها ۳۶

دموکراسی غربی در جامعه اسلامی ۳۷

اشکالات دموکراسی غربی ۴۰

اشکالات نظام دموکراسی در ایران ۴۲

بررسی دو فرهنگ کنفوسیوس و اسلام ۴۹

نقش فرهنگها در توسعه سیاسی و اقتصادی (از دید هانتینگتون) ۵۰

بررسی فرآیندهای سیاسی در کشورهای اسلامی ۵۰

براندازی دولت‌های مازاد توسط نظام ملی دموکراسی ۵۱

فصل چهارم: رابطه دموکراسی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)

..... ۵۹

نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) ۶۱

جایگاه برابری سیاسی در نظریه ولایت فقیه ۷۵

حکومت و حاکمیت قانون ۷۹

سنت و مدرنیته (نوآوری) ۸۱

مردم‌محوری و جمهوریت (مشارکت‌پذیری و جمهوریت) ۸۴

مطبوعات و رسانه‌ها (اطلاع‌رسانی) ۸۵

آزادی ۸۷

برخورداری از حق انتخاب مناصب و مقامات ۸۸

۹۲ برابری در برابر قانون

۹۴ سیستم نمایندگی و تفکیک قوا در نظریه ولایت فقیه

۱۰۱ فهرست منابع

www.ketab.ir

مقدمه

عصر ما، عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات نام گرفته است. انقلاب تکنولوژیک، فن آوری و پیروزی بشر در اعتلای علوم طبیعی او را قادر ساخت تا به بسیاری از آرزوهای دیرین خود در شناخت اجزاء طبیعت و محیط پیرامون خویش دست یابد. به دنبال مناقشات ارباب کلیسا و اندیشمندان علوم طبیعی، پدیده رنسانس روی می نماید که محصول آن از اومانیسم و اندیو دوآلسم، اندیشه و اندیشه‌وران علوم اجتماعی، سکولاریسم و پوزی توسیم زده می شود و تقویت این اندیشه که مذهب محل گفتگو بوده و موجب ایجاد سوء تفاهم و تعصب در میان افراد می گردد و لذا امکان حصول به تفاهم را منتفی می سازد. حرکت به سمت خصوصی سازی مذهب، امری مثبت تلقی شد و این نظر به در دنیای غرب منشأ دکترین سیاسی سکولاریسم گردید و در نتیجه این روند، مذهب عقب نشینی کرد. در توجیه و تبیین این روند موضوع پلورالیسم و انحرافی مذهبی نیز به عنوان مشخصه دیگر این دکترین سیاسی پا به عرصه اجماع می گذارد و پیشرفت های صنعتی و اقتصادی نیز در دنیای غرب که به دوران اندیشه دینی حاصل می شد، موجب نزول روحیه معنویت خواهی و سمان این حقیقت که در ذات انسان نهاده شده گردید.

تاریخ اسلام مملو از تلاش علماء و اندیشمندان مسئول جهت دفاع منطقی از دین و احیای تفکر ناب دینی بوده است، اما رسالت علمای اهل بیت اسلام به ویژه بعد از انقلاب صنعتی و عصر انفجار اطلاعات ویژگی هایی دارد که قابل مقایسه با قرون گذشته نیست. از یک طرف تصویر واقعی اسلام، حتی در کشورهای اسلامی کم رنگ شده و از سوی دیگر فرهنگ سکولاریسم توسط قدرت های استکباری و نژادپرست به ویژه صهیونیست ها بر منابع مادی،

تبلیغاتی و معنوی بشر تهدید همه جانبه‌ای را علیه ادیان توحیدی پایه‌ریزی کرده است.

در قرن گذشته تلاش‌های زیادی توسط دانشمندانی نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و سایرین در خصوص معرفی حقایق اسلام به عمل آمد، ولی کمتر کسی مانند امام خمینی (ره) به عمق مسائل مسلمان پی برده است. دلیل آن‌هم انقلابی به نام اسلام که آغاز حرکتی در دنیا برای تأسیس یک جامعه مدنی بر اساس تعالیم دین است. در واقع امتیاز امام، جامعیت شخصیت و افکار ایشان است که با درک صحیح از وقایع روز و ارائه پاسخی شایسته به نیازهای جامعه شالوده بنای محکم انقلاب اسلامی را طرح‌ریزی و اجرا نمود. باستی اذعان نمود که نقش تاریخی ایشان منحصر به ایران و یا زمان خاصی نیست. امام خمینی با سلاح منطق و شعار استقلال و آزادی در سایه خداجری و دین‌داری پایه‌گذار حکومتی نوین شد تا تمدن بزرگ اسلامی را برای بشریت مؤسس از مکاتب مادی و درگیر بحران‌های اخلاقی به ارمغان آورد. پیام این تمدن انسانی انسان از همه بندهایی است که کرامت و عزت بشر را تباه نموده و او را به امارت غرایز و تمنیات حقیر دنیایی مشغول نموده‌اند و این ممکن نیست. جنبه بزرگشت به جوهره اصیل انسانیت و تسلیم در مقابل آفریدگار و خالق هستی.

در چنین دوره‌ای بشریت از یک‌سو شاهد دستاورد های تکنولوژی است که او را بر طبیعت غالب می‌سازد و توانایی بهره‌گیری از منابع طبیعی را فراهم می‌نماید و از سوی دیگر ناظر افول ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که ناشی از نفی اندیشه دینی است. نتیجه این تعارض، بروز بحران‌های اجتماعی و تعارضات عمده‌ای است که وقوع دو جنگ جهانی در فاصله کوتاهی در قرن بیستم از نمونه‌های بارز آن است. در نتیجه جامعه‌ای مطلوب است که شرایط رشد و توسعه موزون انسان‌ها که متضمن توجه به هر دو جنبه مادی و معنوی باشد. در این شرایط با تهدیدات جدی نیز مواجه می‌شود که پرداختن

به مشکلات عارض شده و تهدیدات شکل گرفته از حوصله این مقاله خارج است. وقوع انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) که از پشتوانه غنی فلسفی و تاریخی برخوردار است، توجه بسیاری از اندیشمندان و مصلحین دنیا را به خویش معطوف ساخت. این نهضت، بسط معنویت و تحکیم ارزش‌های اخلاقی و احیای دین را در دستور کار خویش قرار داده و از این منظر مدلی از نظام سیاسی را ارائه می‌کند که مستقل، مردمی و توانا در ایجاد یک جامعه مدنی در مفهوم واقعی خود است.

اندیشه امام خمینی (ره) که در انقلاب اسلامی تجلی یافت و در قانون اساسی تکریم و نهادینه شد، تجلی جمهوریت که نماد نوآوری بوده و اسلامیت که نماد اندیشه دینی است متبلور شده و ساختارهای مهم مدنی نظیر حاکمیت شور، مشارکت مردم، آزادی و ... در چارچوب‌های امروزی آن لحاظ شده است.

البته برداشت غرب از اسلام، نبعث از دیدگاه‌های روشنفکران غربی بوده که در تعارض با اندیشه دینی هستند، لذا همواره بر اساس قرائت ناصحیحی از اسلام و توأم با عصبیت عمل نموده و سعی دارد انقلاب اسلامی را ناقض حقوق انسانی، واپس‌گرا و مخالف آبادی و تمدن جلوه دهد، درحالی‌که کارکردهای سیاسی انقلاب و تبیین نظری حضرت امام خمینی (ره) از موضوعات حکومتی است که می‌فرماید: «تمدن جدید را نایستی پذیرفت و به مقتضیات زمان و مکان اهمیت داد.» بطلان آن تلاش‌ها ثابت می‌کند. البته منظور حضرت امام خمینی (ره) از تمدن جدید، همان درآوردهای مثبت زندگی بشری است، زیرا فکر بشر دائماً در حال رشد است. همواره انسان‌هایی با توانایی فکری بالاتر به میدان می‌آیند. احیای تفکر دینی در نظر حضرت امام یعنی بازگشت به ریشه‌های اصیل دیانت و جوهر دینی که جاودانه است. امام با این رهیافت مستحکم به حل مسائل زمان خویش پرداختند و راه را برای ورود به آینده هموار نمودند. تعبیر زیبای یکی از

اندیشمندان این است که: «کار بزرگ امام خمینی (ره) در این خصوص باز قدسی‌زدائی شده است.» و میشل فوکو فیلسوف فرانسوی آن را انقلاب روح در جان بدون روح نامید.

انقلاب اسلامی ضمن بهره‌گیری از ساختارهای مدنی، مورد وفاق عموم که در واقع از دستاوردهای مثبت تمدن بشری است، تلاش نموده تا روح معنویت را که از تعالیم دین نشأت می‌گیرد، به‌عنوان ارزش‌های مورد قبول انسان در جامعه حاکم نماید. بر این اساس به برخی از دیدگاه‌های حضرت امام (ره) نسبت به نهادهای مدنی اشاره می‌شود.

به‌طور خلاصه رافع انقلاب اسلامی سه تغییر اساسی در صحنه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بشر به وجود آورد:

۱- تغییر در شیوه مبارزه جهان سوم علیه استعمار اقتصادی و عقیدتی جهان غرب برای رسیدن به آزادی و استقلال این انتقال بسیار تاریخی و در عین حال برای امت اسلامی نویدبخش است.

۲- دگرگونی در زمینه‌های اندیشه، سبک سازش مذهب و دنیای صنعتی مدرن.

۳- متوقف شدن روند انزوای مذهب در امور اجتماعی و فردی جوامع بشری. در آستانه هزاره سوم، به نظر می‌رسد که بشر به این نتیجه رسیده که بحران موجود در تمدن معاصر، بحران عدم هماهنگی معنویت و مادیت در زندگی است، راه‌حل این مشکلات، آشتی بین این دو و ایجاد یونانی عمیق میان سیاست و اخلاق و در نهایت ارائه یک مدل حکومتی نه بالایی، نه پائینی است. آزادی را با والی‌ترین شکل آن به انسان عرضه کند و محیط را با پالایش از کجی‌ها و پدیده‌های ضد اخلاقی، آماده تحقق جلوه‌های عدالت اجتماعی نماید، می‌باشد. این الگو از دیدگاه ما، جز الگوی یک تمدن اسلامی که الهام دهنده آن را مدینه النبی می‌دانیم، نیست.

مهم‌ترین شاخص‌های دموکراسی یعنی آزادی، برابری سیاسی، سیستم نمایندگی و تفکیک قوا در اندیشه امام خمینی (ره) وجود دارد و با توجه به تفاوت برداشت امام از این شاخص‌ها، مفهوم مورد نظر امام نسبت به دموکراسی نیز متفاوت می‌گردد.

امام معتقد است که در خود نظام سیاسی اسلامی، شاخص‌های دموکراسی وجود دارد. در همین زمینه امام خمینی می‌فرماید قید دموکراسی چیزی نیست که ما بخواهیم به حکومت اسلامی اضافه کنیم، بلکه حکومت اسلامی ذاتاً بر مبنای دموکراسی استوار است. از این رو امام در پاسخ به اینکه چرا با آوردن کلمه دموکراتیک در کنار جمهوری مخالفت گردید، می‌فرماید:

«این توهم این را در ذهن می‌آورد که اسلام محتوایش خالی است از این، لذا احتیاج به این است که یک قیدی پهلوش بیاورند و این برای ما بسیار حزن‌انگیز است که در بخشی یک چیزی که همه چیزها به طریق بالاتر و مهم‌ترش در آن است. حالا ما بیاییم بگوییم که ما اسلام می‌خواهیم و اما با اسلامان دموکراسی باشد. اسلام همه‌چیز است، مثل این است که شما بگویید که ما اسلام را می‌خواهیم و می‌خواهیم که به خدا هم اعتقاد داشته باشیم، ولی به شرط این که به خدا هم معتقد باشیم. این برای ما خیلی ناراحت‌کننده است که کسی چنین خیالی داشته باشد»

آشنایی با سیاست خارجی آمریکا در مورد رواج دموکراسی غربی در کشورهای اسلامی که این کار از طریق تقویت اصول منطق لائبرال دموکراسی در اسلام و حذف اصول مخالف آن امکان‌پذیر می‌شود در واقع منظور اینکه اسلام‌گرایان باید به مبانی دموکراسی غربی گردن نهند، که لیبرالیسم و سکولاریسم ارکان مهم آن را تشکیل می‌دهند و این بدان معنا است که اسلام‌گرایان باید به تدریج از آموزه‌های اسلام فاصله گیرند و روند عادی‌سازی مناسبات با اسرائیل را در پیش گرفته و سیاست‌های توسعه‌طلبانه

آن را با طیب خاطر بپذیرند، یعنی وی اسلام را یکی از موانع توسعه دموکراسی در منطقه می‌داند. هانتینگتون در این کتاب روند ایجاد و حذف لیبرال دموکراسی در کشورهای جهان را در سه مقطع تاریخی با عنوان موج‌های دموکراسی شدن و روند بازگشت به اقتدارگرایی بررسی می‌کند. بررسی علل و عوامل تاریخی است که باعث شد کشورهای جهان تحت تأثیر موج سوم به‌سوی دموکراسی شدن پیش بروند. هانتینگتون در کتاب «موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم»، در سال ۱۹۹۶، نتیجه گرفت که «زمان به سود دموکراسی پیش می‌رود، دموکراسی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت.»